

سه‌شنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۰ • ۲۳ شعبان ۱۴۴۲ • ۶ آپریل ۲۰۲۱

اخبار

عبدالعلی دستغیب عنوان کرد

مولوی شناسان اشتباه کرده‌اند

ابن یونسده و منتقد ادبی پیشکسوت اظهار کرد: در حال مطالعه «مثنوی معنوی» مطلب جدیدی به نظر رسید که تاکنون کسی درباره آن صحبت نکرده است؛ درباره مثنوی عده زیادی درباره روش و مثنی عرفانی جلال‌الدین محمد بلخی و تأثیرات او صحبت کرده‌اند که معروف‌ترین آن‌ها کتابی است که بدیع‌الزمان فروزانفر نوشته است. او درباره «فیه ما فیه، «دیوان شمس» و قصص مولوی کتاب چاپ کرده است. فروزانفر از نخستین کسانی است که در دوره جدید، مولوی را زنده کرده و به دبیان و اهالی شعر معرفی می‌کند و کتاب‌های جالبی نوشته است. جلال‌الدین همایی هم کتابی با عنوان «مولوی چه می‌گوید؟» نوشته است. کسان دیگری هم مطالب و مقالاتی نوشته‌اند از جمله دکتر موحد و دکتر سبحانی، که از میان آن‌ها مطلبی که دکتر سبحانی نوشته به تحقیقات جدید نزدیک است.

او در ادامه گفت: همایی تعبیری بسیار سنتی و خیلی کهنه از مولوی دارد و بدیع‌الزمان فروزانفر هم بیشتر در عالم لفظ و لغت و سوابق اندیشه و تعیر مولوی است اما دکتر سبحانی به زبان امروز نزدیک‌تر است. ولی به نظر همه این‌ها حتی نیکلسون درباره مولوی اشتباه کرده‌اند. این‌ها سوال‌شان این است که مولوی چه می‌گوید و می‌خواهند بدانند عقیده مولوی چیست؟ در حالی که این حرف‌ها کهنه شده و دیگر کسی دنبال ایدئولوژی شاعران نمی‌رود و آقایان باید درباره مولوی می‌پرسیند که مولوی چطور می‌گوید؟

دستغیب خاطرنشان کرد: در آثاری که از مولوی به یادگار مانده، از جمله «مثنوی معنوی»، «فیه ما فیه»، «دیوان غزلیات» و «مجالس سبیه» آن‌چه مهم است، این است که او چطور می‌گوید نه این‌که چه می‌گوید. مطالبی که مولوی گفته این عربی و فارسی هم گفته بودند پس تازگی نداشته است. در دوره اسلامی عرفای ما مانند هم صحبت می‌کنند و اختلافات جزئی دارند اما آن‌چه مهم است این است که روش مولوی چیست؟ مولوی در غزلیاتش استعاره‌های عجیب و غریبی به کار برده و لحن غزلیاتش به گونه‌ای است که با موسیقی ایرانی مانند تار و سه‌تار نمی‌شود خواند و بیشتر لحن حماسی دارد، یعنی سلاست و روانی و لطافت شعر سعدی و حافظ را ندارد و باید دف و نی و حتی طبل نواخته شود تا بتوان خواند. عیب بزرگ مولوی در غزلیاتش این است که زیاد شعر گفته و تکرار دارد. گاه به ایران باستان توجه دارد مثلا در «این خانه که پیوسته در او بانگ غنچه‌است»، گاه شعرهایش به فرهنگ اسلامی مرتبط است و گاه هم فرهنگ عامه. بنابراین باید گزینه‌ای از غزلیات او را فراهم کنیم و به دیگران ارائه دهیم و هم‌ااش را نمی‌توان خواند.

ابن منتقد ادبی و مترجم سپس بیان کرد: نکته مهم درباره مولوی، ارتباطی است که با شمس داشته. درباره این موضوع خیلی بحث شده ولی این نکته را نگفته‌اند که این‌ها در خلوت به یکدیگر چه می‌گفتند و مشکل‌شان چه بوده است. در این‌که شمس تبریزی را افرایفان مولوی و سلجوقیان می‌کشند، شکی نیست و اختراعات دکتر موحد و دیگران در برابر این‌که شمس کشته نشده اشتباه است. شمس در همان قونیه کشته می‌شود، و دلیل آن که غیبت دوم شمس و رفتن مولوی به دنبال او را دال بر این است می‌دانند که اگر مولوی می‌دانست شمس کشته شده به مسافرت نمی‌رفت‌هم اشتباه است. زیرا از نظر روان‌شناسی مولوی باور نمی‌کرد که نزدیکان و درباریان شمس را بکشند، یعنی قتل شمس را باور نمی‌کرد. درباره این‌که مولوی تحت تأثیر شمس قرار گرفته باید بگویم شمس آدم باسواد نبوده و اطلاعات کمی داشته اما همان‌طور که فرزند مولوی می‌گوید قدرت تسلط بر روان دیگران را داشته است یعنی از این نظر قوی بوده به صورتی که می‌توانسته افراد را زیر نفوذ خود قرار بدهد، با مولوی آشنا می‌شود و او را زیر نفوذ خود قرار می‌دهد به طوری که مولوی بعد از قتل شمس تا آخر عمر این نفوذ را حفظ می‌کند. نکته دوم این است که غیبت دوم شمس غلط است، شمس را افراد متعصب و طرفداران مولوی به دلیل این‌که وقت استادنشان را گرفته و او را از آن خود کرده بود، از روی حسادت می‌کشند.

او در ادامه اظهار کرد: آن‌چه درباره شمس و مولانا مهم است و مولوی‌شناسان درباره آن چیزی ننوشته‌اند این است که این دو نفر در خلوت طولانی خود چه می‌گفتند! به نظر من و طبق شواهد موجود که در «منابع العارفین» افلاکی و «رساله سیه‌سالار» است، این دو می‌خواستند نهفتن تازه یا کیش تازه‌ای به وجود بیاورند که بنیاد این جنبش سماع یعنی شعر و موسیقی و شعر بوده است. آن‌ها می‌خواستند رقص و موسیقی و شعری را که الان در قونیه رایج است و به احترام روز درگذشت مولوی اجرا می‌شود، به آداب شریعت تبدیل کنند. آن‌ها معتقد بودند در رقص و موسیقی و شعر به جان جهان یعنی خدا نزدیک می‌شوند. مطلبی که شمس و مولوی می‌گفتند، همین بوده و به این دلیل در خلوت می‌گفتند که کسی مطلع نشود. عبدالعلی دستغیب در پایان گفت: بعد از درگذشت شمس، مولوی به همان روش او، مجلس سماع برگزار می‌کند و روزی که مولوی فوت کرد، تمام‌اهالی قونیه، زن و مرد، شیعه و سنی، قلندرها، عارفان و صوفیان، در مجلس ترحیم او شرکت می‌کنند و گروه گروه با شعر و موسیقی و شعر (سماع) به آرامگاه بدرقه‌اش می‌کنند. چنین چیزی در تاریخ کیمیا است که یک امپراتور در مراسم درگذشت یک شاعر شرکت کند. سلطان علاءالدین کیقباد، بهودیان و مسیحیان را می‌خواهد و به آن‌ها می‌گوید مولوی مجتهد مسلمان بوده و شما این‌جا چه کار دارید و چرا در این مراسم شرکت کرده‌اید، آن‌ها می‌گویند مولوی از ما بوده که این موضوع در تاریخ کم‌سابقه است.

گردشگری و سفر در دوره قاجار»؛ آداب، رسوم و فرهنگ

«در سفرهای همراه شاه قاجار، غیر سواران گارد شاهی، زیندار، نَسَقچی و امیرآخور، میرشکار، ناظم‌خلوت و نایب‌ناظر (سرپرست مباشران) و همچنین تعدادی از زنان اندرون حضور داشتند. شاه همواره در کالسکه هشت‌اسبه خود تنها بود و هنگامی‌که سوار بر اسب حرکت می‌کرد، افراد گارد با او فاصله می‌گرفتند. زیرا شاهان قاجار در طی سفرهای داخلی، شکار نیز می‌کردند.»

این بخشی از کتاب گردشگری و سفر در دورهٔ قاجار است که «با تکیه بر آداب و رسوم و فرهنگ سفر» به همت مینا جاویدان ساعی‌پور فراهم آمده و بر آن اسات بزنامی «نسبتاً جامع از فرهنگ و آداب و رسوم سفر در دوره قاجار» در ۱۶ فصل به‌همراه نتیجه‌گیری ارائه دهد.

فصل اول با عنوان «گونه‌شناسی سفر در ایران» با زیرعنوان‌های سفر چاپاری، سفر کاروانی، سفر دریایی، سفر ملوکانه، ترکیب و ظاهر قافله ملوکانه و فصل دوم با عنوان «اسباب سفر در دوره قاجار» با زیرعنوان‌های اسباب حمل و نقل زمینی، حیوانات چهارپا، غذای چهارپایان، مداوای چهارپایان، تیمار چهارپایان، آزار چهارپایان، وسایل نقلیه بدون چرخ، کجاوه، منجمل، تخت روان، وسایل نقلیه چرخ‌دار، گاری، کالسکه، دلیجان، خط آهن، اتومبیل، اسباب حمل و نقل آبی، کشتی، پالکی، گمی، کلک، کرجی و قفه تنظیم شده است. فصل سوم با عنوان «مایحتاج و ملزومات سفر» با زیرعنوان‌های اسباب پخت و پز، اسباب اتراق، وسایل شخصی مورد نیاز، ملزومات دفع حشرات، جعبه دارو، سایر تجهیزات، فصل چهارم با عنوان «غذا و خوراک در سفر» با زیرعنوان‌های آب ناه، غذا، خوراک شکاری، جاشنی، تنقلات، دسترسی به خوراک در سفر و فصل پنجم با عنوان «وضع ظاهر و لباس سفر» با زیرعنوان‌های کلاه، توش‌پوش، پوشش زنان در سفر، جوراب، کفش، سایر لباس‌ها، وضع ظاهر و شیوه لباس پوشیدن و آراستگی و عوامل سفر موضوعات مرتبط را بررسی می‌کنند.

بیماری و سلامت در سفرهای دوره قاجار

فصل ششم با عنوان «پزشکی و بهداشت در سفر» با زیرعنوان‌های بهداشت در سفر، بهداشت فردی، استحمام مسافران، بهداشت عمومی در سفر، پزشکی در سفر، تب، اسهال خونی، ادرار خونی و استفرغ، بیماری و طاعون، بیماری سالک، گزیدگی حشرات در سفر و توصیه‌های مربوطه، توصیه‌هایی برای رهایی حشرات در سفر، پزشکی در سفر دریایی، روش‌های غیرپزشکی مداوا در سفر، دوره‌گردان طبیب‌نما، چشمه‌های شفابخش در طول راه، سرنوشته شوم مسافرانی که در اثر بیماری جان می‌بخندند، قرنطینه در سفر، قرنطینه در مرزهای آبی جنوب ایران، قرنطینه در مرز روسیه، قرنطینه در مرزهای ترکیهٔ عثمانی و فصل هفتم با عنوان «قوانین سفر و قوانین کاروان» با زیرعنوان‌های مدیریت و اداره کاروان، زمان حرکت کاروان، بسته‌بندی و بارنمودن اسباب، حیوانات بارکش کاروان، آواز خواندن برای حیوان، نقش سگ در کاروان، پیش‌بینی آب و هوا، راهمایی کاروان‌ها، طی مسیر، توقف و استراحت کاروان‌ها، تأمین امنیت کاروان‌ها در کتاب آمده‌اند. همچنین فصل هشتم با عنوان «توقف‌گاه‌ها» با زیرعنوان‌های کاروانسراها، ساختمان کاروانسرا، اتاق‌ها، چهارپایان و طویله در کاروانسرا، تهیه در کاروانسراها، تأمین آب کاروانسراها، سرویس بهداشتی و حمام، امکانات رفاهی، بهداشت در کاروانسراها، تغذیه در کاروانسراها، مشکلات اسکان در کاروانسراها، هزینه استفاده از کاروانسراها، امنیت در کاروانسراها، بهداشت در کاروانسراها، سروصدا در کاروانسراها، سایر موارد در رابطه با کاروانسراها، چاپارخانه‌ها، امکانات رفاهی چاپارخانه‌ها، چاپارخانه‌ها و پست‌خانه‌ها، کرایه چاپارخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، خانه‌های روستایی و چادر قبایل، سایر توقفگاه‌ها تنظیم شده است.

از نمایشنامه‌نویسی تا ریاست‌جمهوری در «نامه‌های سرگشاده» واتسلاف هاول

«گرمی، گشاده‌رویی، مهربانی و صمیمیت بی‌مزد و منت دارد کم از کم از برخوردهای روزمره مردم با همدیگر رخت برمی‌بند. انگار فقط یک چیز از فکر همه می‌گذرد: آنچه را دنبالش هستند کجا باید پیدا کنند. بی‌تفاوتی و رفتارهای ناشایست در حال گسترش است (...) اما در پس تمام این رفتارها فشار روحی گنگی نهفته: مردم با عصبی و مضطرب و آزرده خاطرند یا به کل هیچ احساسی ندارند. قیافه شان طوری است که علی‌ان منتظرند بر لحظه بی‌خبر از جایی مشتی حواله‌شان بشود. آرامش و اطمینان خاطر جایش را به پرخاشگری داده است.» (ص. ۳۵۸) این مشاهدات واتسلاف هاول (Václav Havel) است از وضعیت جامعه‌ای که «در معرض تشعشعات توتالیتاریسم قرار دارد» (ص.۳۵۹) و مردمش «در یک تهدید مدام به زندگی ادامه می‌دهند» (همان). او از همان ابتدای فعالیتش به عنوان نمایشنامه‌نویس با آثار عمدتأ آبزوردن نشان داد که به جامعه و وقایع آن بی‌تفاوت نیست و با آثاری چون ضیافت در باغ (۱۹۶۳) و یادداشت (۱۹۶۵) در چکسلواکی شناخته شد، با همین آثار در مقابل ستاره‌های قدرت سیاسی حاکم بر کشورش ایستاد و پس از آن به سمت جسنارنویسی رفت که در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی فضای بیشتری برای انتقاد از بلاهت و پوچی جامعه‌ای ماشین‌د ر اختیارش قرار می‌داد. هاول یکی از سخنگویان اصلی گروه مخالفان سیاسی نظام کمونیستی در چکسلواکی موسوم به «منشور ۷۷» بود و در فصله ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ به دست این رژیم و به اتهام مشارکت در جنبش حقوق بشری چک زندانی شد و نمایشنامه‌هایش ممنوع اعلام شدند. در دوران حبس «شرایط و سانسور حاکم بر زنان وادارش کرد نامه‌های خواندنی و فوق‌العاده‌ای به همسرش اولگا بونوسد و به این بهانه کندوکاو عمیقی در شخصیت و باورهای او داشت داشته باشد و پیامدهای وسیع‌تر و فلسفی‌تر آنها را بررسی کند.» (ص.۱۹۸) او در نوامبر ۱۹۸۹ با بنیان گذاری جنبش «میدادگاه مدنی» که پس از ۴۰ سال نخستین جنبش قانونی مخالفان حکومت چکسلواکی به حساب می‌آمد، رژیم حاکم را مجبور به تقسیم قدرت کرد و در نهایت به فاصله یک ماه بعد به مقام ریاست جمهوری موقت چکسلواکی انتخاب شد. با فروپاشی نظام کمونیستی در ۱۹۹۰ او بار دیگر به ریاست جمهوری چکسلواکی برگزیده شد و در ۱۹۹۲ پیش از انحلال چکسلواکی از مقامش کناره گرفت. هاول بعدها در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۸ نیز بر مسند ریاست جمهوری تازه تأسیس چک نشست. پل ویلسون که کتاب نامه‌های سرگشاده حاصل جمع‌آوری، بررسی و انتخاب‌های اوست از مقدمه‌ای به تاریخ ۱۹۹۱ میلادی می‌نویسد:

جسنارهای واتسلاف هاول با اینکه در زمان و مکان متفاوتی نوشته شده‌اند، هنوز هم برای اوضاع امروز ما روشنگرند و همین گواه ماندگاری و عمق نوشته‌های اوست. مگر همین هاول نبود که هشدار می‌داد آسیبی که از حکومت‌های تمامیت‌خواه بر جان افراد و جوامع به جا می‌ماند بسیار

روزنامهصبح ایران

امتیاز

گردشگری و سفر در دوره قاجار»؛ آداب، رسوم و فرهنگ



وضعیت امنیت راه‌ها

فصل نهم با عنوان «امنیت راه‌ها» با زیرعنوان‌های نواحی ناامن، نواحی مرزی شرقی، نواحی شمال غربی ایران، ایالات کردنشین، جاده میان لرستان و کردستان، در نواحی مرکزی ایران، نواحی عاشرنشین بختیاری و شقاقی، نواحی جنوب غربی ایران، منطقه خوزستان، روش کار راهزنان، تمهیدات مسافران و کاروان در برابر راهزنان، راهکار دولت برای تأمین امنیت جاده‌ها، استخدام قراسواران، تأسیس پست های راهزهای، به‌کارگیری راهبانان، استقرار جزایرچی‌ها، از میان برداشتن کمین‌گاه‌های طبیعی، حصارکشی به دور روستاها و شهرها، داشتن توصیه‌نامه در سفر، گزارشات دزدی و غارت به دولت، مجازات راهزنان، عوامل فساد تشدید کننده ناامنی راه‌ها،

فصل دهم با عنوان «آداب و رسوم و مراحل انجام سفر و آیین‌های مربوطه» با زیرعنوان‌های تنظیم وصیت‌نامه و حلیتٔ طلبیدن قبل از سفر، مشخص کردن زمان سفر، انتخاب همسر و عوامل امن کارکن مقدس ای مرد خدا

قبل از عزیمت، آیین بدَرَقه، دعا در سفر، سوغات سفر، دیدگاه مسافران خارجی به ایران و ایرانیان در بدو ورود، رفتار ایرانیان با مسافران خارجی در شهرها و اماکن مقدس، آیین پیشواز مسافر، قربانی، هدایا و پیشکشی در سفر، زیاده‌خواهی ایرانیان برای انعام ستاندن از مسافران خارجی، آیین مهمان‌نوازی از مسافران، رسم سیورسات، آداب پایان سفر، فصل یازدهم با عنوان «سفرهای زیارتی» با زیرعنوان‌های زیارت مکه و حج، زیارت کربلا و متعبات، زیارت مشهد، زیارت قم،زیارت شاه عبدالعظیم، زیارت قدمگاه، زیارت بی‌بی شهربانو، زیارت نیایی با وکالتی، چاوش‌خوانی، حمل جنازه، زیارت صوفیانه، گواهینامه‌های زیارتی، بازگشت از زیارت، فصل دوازدهم با عنوان «زنان در سفر» با زیرعنوان‌های تعداد زنان در سفر، زمان در جاده‌ها، وسیله نقلیه زنان در سفر، زنان و زیارت، سفر دخترک در لباس پسران و فصل سیزدهم با عنوان «سرگرمی و تفریح در سفر» با زیرعنوان عملیات چوب‌دستی و قیاحق تدوین شده‌اند.

فصل چهاردهم با عنوان «باورهای عامیانه در رابطه با سفر» با زیرعنوان‌های باورهای مربوط به زمان حرکت و شروع سفر، نوید رفتن به سفر، نوید رسیدن مسافر، کسب خبر از مسافر، به هم سلامت برگشتن از سفر، بازگرداندن مسافر، خشتی کردن و فسخ سفر شخص دیگر، جلوگیری از بازگشت مسافر، باورهای در رابطه با قربانی و سفر، باورهایی در رابطه با زیارت، دعا و عوامل مذهبی در سفر، عوامل ماورایی در سفر، باورهای در رابطه با نوزاد و سفر، باورهای در رابطه با زن و مسافر، باورهای در رابطه با آب و سفر، باورهای در رابطه با درخت و سفر، باورهای در رابطه با حیوانات و سفر، اسب و سفر، پرده و سفر، مارمولک و مار و سفر، گربه و سفر، حشرات و سفر، شتر و سفر، باورهای در رابطه با طعسه و سفر، باورهای در رابطه با انگتش و سفر، باورهای در رابطه با کفش و سفر، باورهای در

عمومی و کثرت مگس، پشه و سایر حشرات در راه‌ها، توقفگاه‌ها و کاروانسراها بود. کرم و دیگر جانوران افتاده در حوض و آب‌انبارها، وجو ساس و شپش و دیگر حشرات در حجره کاروانسراها، سبب بیماری و حتی مرگ مسافران می‌شد...» (ص ۵۷)، در فصل هفتم؛ «... یکی از مهم‌ترین اقدامات مسافران قبل از انجام سفر، پیداکردن و انتخاب یک جلودار و کاروانسالار باتجربه و امانت‌دار بود که چند رأس حیوان بارکش خوب داشته باشد و بتواند در موقع مقرر آماده حرکت باشد...» (ص ۷۱)، در فصل هشتم؛ «...بعضی از کاروانسراها بسیار بزرگ بوده و نمای ورودی دزمندان و پرهیبت داشتند... کاروانسراها در کنار آبادی‌ها ساخته می‌شدند تا ازراق و خواسته‌های مسافران از آن جا تأمین شود...» (ص ۸۷) و در فصل نهم؛ «... کاروانیان می‌دانستند که راه‌ها و توقفگاه‌هایی که از روستاها فاصله زیادی داشتند، از دستبدر راهزنان در امان نخواهند بود... آنان در سفرهای شبانه برای حفظ امنیت خود، تعدادی سوار مسلح که تفتنجی نامیده می‌شدند، اجیر کرده تا مواظب بارونه و همراهان باشند. تفتنجی‌ها عضو شقون و با سرباز نبودند بلکه شغلشان پاسداری بار کاروان‌ها بود...» (ص ۱۰۵) ذکر شده است.

همچنین در فصل دهم؛ «... در ایران برخلاف آیین بدرقه مسافران، آیین‌ها و باورهای در رابطه با استقبال و پیشواز از مسافران تنوع زیادی برخوردار نبود؛ چراکه وقتی مسافری به سلامت از سفر بازمی‌گشت، نیازی به عوامل ماورایی برای بدشگونی و با خوش‌بینی سفر، نداشت؛ درنتیجه در مراسم استقبال بیشتر به جنبه تشریفات آن پرداخته می‌شد...» (ص ۱۲۶)، فصل یازدهم؛ «...

مراسم پیشواز زائران همیشه با چاوش‌خوانی همراه بود. در این مراسم، دستمالی آبریشمین به دور سر زائران می‌بستند تا از دیگر استقبال‌کنندگان تشخص داده شود. جالبانی که از مکه می‌آمدند، تا چهل روز از صبح تا شب در خانه می‌نشیندند واقوام و نزدیکان برای دست‌بوسی و عرض زیارت قبول خدمتشان می‌ریزدند...» (ص ۱۴۷)

فصل دوازدهم؛ «... در مسافرت‌ها تعداد مسافران مرد و زن قابل مقایسه نبود. به ازای هر صدمرد شاید حتی یک زن نیز در راه‌ها دیده نمی‌شد. در توقفگاه‌ها کمتر زنی به چشم می‌خورد... زنان مسافر در قهوه‌خانه‌ها جایی نداشتند و برای استراحت و نوشیدن چای و غیره بیرون قهوه‌خانه‌ها و احتلا جگوشه‌ای کنار جاده می‌نشیندند...» (ص ۱۵۶)، در فصل سیزدهم؛ «...

در مسافرت‌ها چای و قلیان از توجه و محبوبیت خاصی برخوردار بود. سواى اینکه جهت رفع خستگی به کار می‌رفت جنبه سرگرمی و تفنن نیز داشت و جزو ضروریات محسوب می‌شد. مسافران جهت تهیه چای و قلیان در گوشه‌ای زغال ریخته و با قراردادن آتشی در میان آن و با دمیدن پیوسته بر آن، آتش روشن می‌کردند، کتری را روی آن گذاشته و چای دم می‌نمودند. از همان زغال‌های گداخته روی تیناکو گذارده و قلیانی هم درست می‌کردند...» (ص ۱۶۱)، در فصل چهاردهم؛ «... هرگاه می‌خواستند کسی به سفر رود، پیران او را برداشته و زیر رختخواب او پهن می‌کردند و با هفت میخ آن را به زمین می‌کوبیدند و می‌گفتند «میخ او را گرفتیم تا تکان نخورد...» (ص ۱۷۴) و در فصل پانزدهم؛ «... مسافران خارجی به هنگام سفر به ایران می‌بایست از بادکوبه چندصد قران (با سکه‌های یک و دو قرانی) تهیه و با خود حمل می‌کردند تا برای مخارج گذرندگته‌ای در طی مسیر، آن را برای انعام و کرایه اسب و چهارپا و غیره خرج کنند...» (ص ۱۹۵) قابل اشاره است.

چاپ نخست کتاب گردشگری و سفر در دورهٔ قاجار، زمستان سال جاویدان ساعی‌پور، در ۲۴۸ صفحه، نوشته سال گذشته، ازسوی نشر آرون به طبع رسیده است.

نام‌های سرگشاده



تحلیل‌های انتقادی می‌برد و آزادی و حقوق را مطالبه می‌کند. او در تمام مدتی که قلم می‌فرساید و بانگ برمی‌آورد و فریاد بر می‌کند و از خواسته‌ها می‌گوید و به قانون توسل می‌جوید، می‌داند که دیر یا زود به خاطر همه این‌ها در بندش خواهند کرد. آن همه دودلی و مته به خشتخاش گذاشتن برای چیست؟ مگر ابرهای خیالبافی جولانگاه او نیستند؟ در ادامه سعی می‌کنم تفاوت «خیالبافی طبیعی» دنیای دگراندیش با خیالبافی نوع دیگر را توضیح بدهم همان نوع خیالبافی که وقتی از او می‌خواهند پای برنامه‌ای را برای آرایش مجدد و مسالمت آمیز اروپا امضا کنند ترس و واهمه‌ای به دلش می‌اندازد.

چند بار هم پیش از این نوشته‌ام که به عقیده من پدیده دگراندیشی ریشه در برداشتی از معنای سیاست دارد که با برداشت رایج امروز از سیاست اساسا متفاوت است. به این معنا که دگراندیش اصلا در حوزه قدرت واقعی عمل نمی‌کند. او سواى قدرت در سر ندارد. مقام و منصب نمی‌خواهد و به دنبال جلب نظر رای دهندگان نیست. نمی‌خواهد مردم را شیفته و شیدای خودش کند، نه چیزی برای عرضه دارد و نه وعده و وعیدی می‌دهد. اگر هم لازم باشد، فقط جانش را می‌تواند در این راه بگذارد. (ص. ۳۲۱)

هاول در سال ۱۹۸۶ جایزه اراسموس (ویژه اشخاص یا مؤسساتی که مشارکت استثنایی در فرهنگ، جامعه یا علوم اجتماعی در اروپا) می‌شود.

بقیهٔ دنیا داشته باشند) و در سال ۱۹۹۰ جایزه بنیاد سوئیسی گوتلیب دوتوپیلر را برای کمک‌های برجسته‌اش برای بهزیستی جامعه دریافت کرد. در همان سال مدال آزادی نیز به او اعطا شد. او در سال ۱۹۹۳ به عنوان عضو افتخاری رجب‌بنده ادبیات انتخاب شد. او همچنین هیسبان معروف اولاخ پایه در نسج مدال ریاست جمهوری برای آزادی باالترین مدال اجتماعی در ایالات متحده آمریکا و جایزه صلح گاندی را نیز از آن خود کرد و نامش بارها در فهرست نامزدان جایزه صلح نوبل قرار گرفت.

شماره ۳۱۷۳

اخبار

«صاحب‌دلان» به‌زودی در آی‌فیلم

شبکه آی‌فیلم، سریال تلویزیونی «صاحب‌دلان» به‌کارگردانی محمدحسین لطیفی را: از ۲۲ فروردین راهی خانه‌های آی‌فیلم‌ها در سراسر کشور می‌کند.

به‌گزارش امتیاز، سریال پرترفدار

«صاحب‌دلان» محصول شبکه یک سیما به تهیه‌کنندگی رضا جودی، از یکشنبه ۲۲ فروردین در کانال فارسی پخش می‌شوداین سریال در سال ۱۳۸۵ و در گونه درام، کانوندگی و مذهبی تولید شده و بازیگرانی چون زنده‌یاد سیروس گرجستانی در نقش حشمتیان، حسین محبوب در نقش سید خلیل، ثریا قاسمی در نقش عقیده، محمد کاسبی در نقش جلیل، باران کوثری در نقش دینا، مه‌رانه مهین‌ترابی در نقش اکرم و اردلان شجاع‌کاوه در نقش دکترسفیری در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. از دیگر بازیگران سریال صاحب‌دلان می‌توان به محسن قاضی‌مرادی، مه‌ران رجبی، پوری پورسرخ، هایده خاتری، برزو ارجمند، حمید ابراهیمی، مجید یاسر و لیدا عباسی اشاره کرد.فیلم‌نامه صاحب‌دلان توسط علیرضا طالب‌زاده براساس طرحی از بیژن میرقاری نوشته شده است. درباره داستان آن آمده است: خلیل مرد مؤمنی است و برادر کوچک‌ترش جلیل برخلاف او مردی بی‌اعتقاد است که از طریق کلاهبرداری به ثروت کلانی رسیده است. خلیل در شب اول ماه رمضان خواب عجیبی می‌بیند. روز بعد قرآنی قدیمی را برای صحافی نزد او می‌آورد. با الهاماتی که به او می‌شود، تصمیم به ارشاد و راهنمایی جلیل می‌گیرد؛ اما... «صاحب‌دلان» قرار است هر روز ساعت ۱۶:۰۰ پخش شود. بازیخش آن نیز در ساعت‌های ۰۰:۰۰ و ۰۸:۰۰ خواهد بود.

تفاهم نامه ایران و چین زیر ذره بین پرس تی وی

برنامه «ایران امروز» (Iran Today) شبکه پرس تی وی در گفت و گو با ابوالفضل عمویی و محمدباقر خرمشاد، تفاهم نامه ایران و چین را زیر ذره بین می برد.

به گزارش امتیاز، «ایران امروز» به تهیه کنندگی ساراپ شجاعی در برنامه این هفته خود به بررسی ابعاد تفاهم نامه ۲۵ ساله ایران و چین و دلایل لزوم انعقاد چنین تفاهم نامه ای و منافع آن برای هر دو کشور می پردازد. لیلان فرامرزی، مجری برنامه در گفت و گو با دکتر ابوالفضل عمویی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون امنیت ملی، دکتر حامد وفایی مدیر گروه مطالعات چین دانشگاه تهران و دکتر محمد باقر خرمشاد دبیر شورای اهربردی روابط خارجی، موضوعاتی از جمله پشتیبانی شبکه نظام از این تفاهم نامه، جنگ قدرت میان چین و آمریکا و توانایی ایران برای کمک به تغییر موازنه قدرت میان این دو کشور و امضای تفاهم نامه ای مشابه میان چین و ۸۰ کشور دیگر از جمله عربستان سعودی و انگلیس را به بحث و بررسی می گذارد. «ایران امروز» چهارشنبه ساعت ۰۵:۰۰، ۱۲:۰۰ و ۱۶:۰۰، پنجشنبه ساعت ۰۷:۰۰ و ۱۹:۰۰ و جمعه ساعت ۱۶:۰۰ روی آنتن خواهد رفت

جریان خاورمیانه» پرس تی وی بررسی می کند:

از صلح عادلانه در یمن تا بحران اقتصادی لبنان

پیشنهاد صلح عربستان در یمن و بحران اقتصادی یمن از جمله موضوعاتی است که در برنامه این هفته «جریان خاورمیانه» (Midea Stream) شبکه پرس تی وی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

به گزارش امتیاز، برنامه «جریان خاورمیانه» در برنامه این هفته خود و در گفت و گو با پاتریک هنینگسن، تحلیلگر مسائل (Stream) شبکه پرس تی وی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.
برنامه «جریان خاورمیانه» در بخش دوم برنامه نیز به موضوع بحران اقتصادی سخت لبنان می پردازد و این سولات را با دکتر نصری حرب، اقتصاددان دانشگاه USAL بیروت به عنوان کارشناس برنامه مطرح می کند که آیا ممکن است اقتصاد لبنان از این هم بدتر شود؟ و وام های بیشتر اوضاع را بدتر نمی کند؟

برنامه «جریان خاورمیانه» پرس تی وی چهارشنبه ساعت ۰۱:۰۰، ۱۷:۰۰ و ۲۳:۰۰، پنجشنبه ساعت ۰۱:۸۰، ۰۳:۰۰، جمعه ساعت ۱۲:۰۰ و شنبه ساعت ۰۵:۰۰ خواهد

مستند «تبعید از مالوناس» روی آنتن

مستند «تبعید از مالوناس» فردا هفدهم فروردین ماه از شبکه هیسبان تی وی پخش می شود.
برنامه «تبعید از مالوناس» به کارگردانی فردیکو پالما، محصول سال ۲۰۱۶ در دو قسمت روزهای سه شنبه و چهارشنبه ساعت ۲۰:۰۰ ، بمدام به وقت تهران از شبکه هیسبان تی وی پخش می شود و تکرار آن همان روز در ساعت های ۱۰ و ۱۹برای اسپانیایی زبان های سراسر جهان قابل مشاهده خواهد بود.